

اثر توسعه حقوقی و مدیریت فناوری بر توسعه پایدار ورزش زنان

مهسا حجازی^۱، امیررضا خادم ازغدی*^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۴

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۵/۱۲

ص ص: ۳۲۷-۳۴۸

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تعیین اثر توسعه حقوقی و مدیریت فناوری بر توسعه پایدار در ورزش زنان بود. روش تحقیق از نوع توصیفی - پیمایشی با رویکرد تحلیل همبستگی می‌باشد. جامعه آماری شامل افراد آگاه به موضوع پژوهش در سازمان‌های ورزشی کشور بود. جامعه آماری شامل مدیران و کارشناسان سازمانی (وزارت ورزش، و...) و اساتید و پژوهشگران دانشگاه‌ها (دکتری مدیریت ورزشی) بود. نمونه آماری براساس تعداد قابل کفایت نمونه‌گیری نرم افزار smartpls برآورد گردید به روش هدفمند نمونه‌گیری شد (۱۷۴ نفر). ابزار اصلی پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته بود. روایی محتوایی ابزار از طریق نظر خبرگان (۱۲ نفر)، پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ و روایی سازه از طریق تحلیل عاملی تأییدی ارزیابی و تأیید گردید. از روش مدلسازی معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد. روابط مستقیم متغیرها نشان داد که توسعه حقوقی اثر معنی‌داری بر مدیریت فناوری (۰/۳۹۸) و توسعه پایدار (۰/۳۰۹) دارد. مدیریت فناوری نیز دارای اثر معنی‌داری (۰/۴۵۴) بر توسعه پایدار می‌باشد. براساس آزمون سوبل تست، اثر غیرمستقیم توسعه حقوقی

۱. کارشناسی ارشد تربیت بدنی، گرایش فیزیولوژی ورزشی

Hejazimahsa70@gmail.com

۲. دکتری مدیریت دولتی گرایش منابع انسانی، هیات علمی دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

خادم.امیررضا1970@gmail.com (نویسنده مسئول*)

بر توسعه پایدار از طریق میانجی مدیریت فناوری دارای ضریب ۰/۴۲ است. از این رو می‌توان گفت، اثر غیرمستقیم توسعه حقوقی بر توسعه پایدار (با میانجی مدیریت فناوری) از اثر مستقیم آن کمتر است. بنابراین بهبود محیط حقوقی می‌تواند در دستیابی به سطح بهتری از توسعه پایدار نقش قابل توجهی ایفا نماید و در صورت مداخله مضاعف از طریق بستر فناوری، اثر مذکور ارتقا می‌یابد. همچنین برحسب نتایج، توسعه حقوقی نقش پیشاینندی و مدیریت فناوری نقش فراینندی و توسعه پایدار نقش پیامدی در کارآمدسازی ورزش زنان دارند.

واژه‌های کلیدی: پایداری سازمانی، توسعه ورزش، فناوری سازمانی، محیط حقوقی، ورزش بانوان

The Effect of legal and Technology Management Developments and Sustainable Developments on Women Sports

Mahsa Hejazi ¹, Amir Reza Khadem Azghodi ^{*2}

Abstract

The purpose of this study was to determine the effect of legal development and technology management on sustainable development in women's sports. The research method is descriptive survey with correlation analysis approach. The statistical population included people aware of the subject of research in sports organizations in the country. The statistical population included managers and organizational experts (Ministry of Sports, etc.) and university professors and researchers (PhD in Sports Management). The statistical sample was estimated based on a sufficient number of Smart PLS software sampling method was sampled purposefully (174 people). The main research tool included a researcher-made questionnaire. The content validity of the instrument was evaluated by experts (n = 12), its reliability was evaluated by Cronbach's alpha coefficient and structural validity was confirmed by confirmatory factor analysis. Structural equation modeling method was used in Smart Pls software environment to analyze the data. Direct relationships of variables showed that legal development has a significant effect on technology management (0.398) and sustainable development (0.309). Technology management also has a significant effect (0.454) on sustainable development. According to the sub-test, the indirect effect of legal development on sustainable development through technology management is 0.42. Therefore, it can be said that the indirect effect of legal development on sustainable development (mediated by technology management) is less than its direct effect. Therefore, improving the legal environment can play a significant role in achieving a better level of sustainable development, and in case of double intervention through technology, the effect will be enhanced. Also, according to the results, legal

1. MA, Sport physiology

Hejazimahsa70@gmail.com

2. Assistant Professor of Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Corresponding Author*: Khadem.amirreza1970@gmail.com



development has a precedent role and technology management has a process role and sustainable development has a consequential role in the efficiency of women's sports.

Keywords: Organizational Sustainability, Sports Development, Organizational Technology, Legal Environment, Women's Sports.

مقدمه

تحولات سرسام‌آور در پهنه جهانی نگرش به توسعه و پایدارسازی آن را در سطح جوامع و نهادهای مختلف دستخوش تغییر و تحول کرده است. در چنین محیطی، رسیدن به توسعه همه جانبه و پایدار، مستلزم سازماندهی متفاوتی از عناصر نظام است به گونه‌ای که تمام نیروهای پیشران در این ساختار پیش‌بینی شود (لی^۱، ۲۰۱۷). از میان نظام‌های (اداری، اجتماعی، و...) مختلف نظام‌های در حال توسعه شرایط ویژه‌تری دارند زیرا یک حالت گذار را تجربه می‌کنند. اتخاذ استراتژی برای غالب آمدن به مشکلات فراگیر در نظام‌های در حال توسعه بسیار پیچیده و معماگونه است، زیرا کنار هم گذاشتن تکه‌های مختلف از تصویر موقعیت ویژه یک کشور است که می‌تواند چهره آن را به درستی نشان دهد یا ندهد (نیسا^۲، ۲۰۱۵). از این رو نیاز به شناخت عناصر و عوامل تعیین‌کننده عملکرد نظام و روابط بین آن‌ها وجود دارد. از بین عوامل مختلف اثرگذار بر توسعه، عوامل کلیدی و عوامل جدید همواره بیشتر از بقیه مورد توجه محققان قرار می‌گیرند. توسعه حقوقی و توسعه پایدار جزو مهم‌ترین مفاهیم کلاسیک و مدیریت فناوری جزو مهم‌ترین مفاهیم نوین در مبحث توسعه به شمار می‌روند.

توسعه حقوقی^۳ مشتمل بر اصول، ساختارها و مراجع قانونی و قضایی است که در محدوده مشخص تعریف شده‌اند (سند توسعه توسعه حقوقی ورزش، ۱۳۸۳). توسعه حقوقی در یک نگاه کلی به دو بخش توسعه حقوقی داخلی و توسعه حقوقی خارجی تقسیم می‌شود. توسعه حقوقی داخلی شامل قواعد حقوقی، فرایندهای حقوقی و نهادهای درون سیستم است و توسعه حقوقی فرامرزی شامل کنوانسیون‌های بین‌المللی، توافقات دو جانبه یا چند جانبه دولت‌ها، نهادهای حقوقی بین‌المللی، قوانین داخلی کشورهایی که با آن مبادله صورت می‌گیرد، عرف بین‌الملل و قراردادهای فرامرزی است. توسعه حقوقی داخلی مشتمل بر قواعد، فرایندها و نهادهای حقوقی است که در چاقوب حاکمیتی ایران قابل تعریف است (وانگ^۴، ۲۰۱۰). توسعه حقوقی مبنای عملکرد حکمرانی و راهبری در یک سیستم سیاسی اجتماعی است.

-
1. Lee
 2. Nica
 3. Legal environment
 4. Wong

مدیریت فناوری^۱ یا دولت دیجیتالی، به استفاده دولت از فناوری اطلاعات برای جابجایی اطلاعات بین مردم، سازمان‌ها، بازار و ارکان دیگر دولتی گفته می‌شود. اهداف و مزایای مدیریت فناوری شامل کاهش تشریفات دست و پا گیر، ارائه مدیریت فناوری، اطلاع رسانی الکترونیکی، تامین رضایت شهروندان، افزایش اقتدار ملی، افزایش بهره‌وری، توسعه مشارکت مردمی، شفافیت امور و کاهش رشوه خواری، تصمیم‌گیری سریع مبتنی بر اطلاعات، اثرات مثبت زیست محیطی و کار آفرینی می‌باشد (کوردلا و تمپینی^۲، ۲۰۱۵). جامعه اطلاعاتی جهانی، بسیاری از سازمان‌ها را وادار می‌کند تا ابتکارهای مربوط به مدیریت فناوری را جهت نیل به اهداف و موقعیت‌ها پذیرا باشند. یکی از مزایای اصلی مدیریت فناوری این است که به جای تأمین خدمات یکسان برای همه، دولت‌ها می‌توانند به کمک فناوری جدید با مردم به صورت افرادی مجزا عمل و به آنها خدمات شخصی ارائه نمایند. در این صورت شهروندان در روابط خود با دولت، احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و اعتماد و اطمینان خود را نسبت به بخش دولتی دوباره به دست می‌آورند. از این رو مدیریت فناوری می‌تواند به یک مردم‌سالاری مستقیم منتهی گردد. در واقع مدیریت فناوری می‌تواند منجر تحقق بخشی زیادی از اهداف توسعه پایدار در هر سیستم و محدوده سیاسی-اجتماعی-اقتصادی باشد (پنا^۳، ۲۰۱۶). زیرا توسعه پایدار در سطح ملی امر پیچیده‌ای است که از مولفه‌های متعددی نظیر مسایل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و امور زیست بوم تشکیل می‌شود.

ترکیب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نقش مهمی برای موفقیت یک کشور در توسعه پایدار^۴ دارد. ترکیب مذکور به طور کامل به طبیعت سیاستگذاری توسعه در کشور، مقامات و نوع حکومت بستگی دارد. توسعه پایدار بر مفهوم نیازهای یکپارچه جهت بهبود رفاه انسانی و کاهش تخریب محیطی تأکید دارد. کلمه‌ی پایداری در توسعه به معنی تعادل بین سلامتی اقتصادی، عدالت اجتماعی و قابلیت انعطاف‌پذیری است که چشم‌اندازی طولانی مدت را تدوین می‌کند و فرصت‌هایی را برای راه‌حل‌های برد-برد فراهم می‌آورد (نیسا، ۲۰۱۵). کشورهای در حال توسعه در برخی از واژگان مربوط به منابع طبیعی نظیر زمین، آب، خاک، منابع طبیعی، اقلیم و ... کاملاً متنوع و مختلف می‌باشند. از نظر ساختارهای اجتماعی نیز بررسی گذشته ۳۰ ساله پیشرفت‌ها و تحولات اجتماعی و اقتصادی وضعیت فعلی این کشورها را نشان می‌دهد. فشارهای تاریخی، موقعیت‌های اقتصادی بین‌المللی ناسازگار نظیر

1. E-government
2. Cordella, A., & Tempini
3. Peña
4. Sustainable Development

سقوط ارزش مواد خام یا دیگر عوامل خارجی گرچه مهم است، اما تاثیر قاطع و نهایی بر رسیدن به کیفیت بالاتر زیستی در کشورهای مربوطه ندارد. در این وضعیت دشوار و با وجود قوانین غیر مسئولانه در شماری از کشورها، بهترین رویکرد توسعه تخصصی و بخشی خرده سیستم‌ها و همسوسازی آن‌ها می‌باشد (مون، ۲۰۱۵). زیرا خرده نظام‌ها و زیر سیستم‌های مختلف یک نظام یا سیستم سیاسی-اجتماعی-اقتصادی کلی از ماهیت و ساختار متفاوتی برخوردارند و نیاز به چارچوب تخصصی دارند. یکی از نظام‌های تخصصی در کشور نظام ورزش است. نظام ورزش مجموعه‌ای از قوانین، تشکیلات، نهادها، نقش‌ها، فعالیت‌ها، رویدادها، منابع و فرایندها است که سبب مشارکت افراد در ورزش و برخورداری آن‌ها از مزایای آن می‌شوند توسعه ورزش در کالبد نظام ورزش اتفاق می‌افتد و مسئولیت خدمات به جامعه بزرگی از ذینفعان ورزش از جمله ورزشکاران و هواداران ورزشی را برعهده دارد. ورزش نقش مهم در سلامت و نشاط اجتماعی دارد و از ظرفیت‌های بسیاری برای توسعه اقتصادی برخوردار است. علاوه بر این ورزش کارکردهای پرورشی و تربیتی بسیاری دارد و ابزار مهمی در سیاست و دیپلماسی نیز محسوب می‌شود. علاوه بر این سازمان‌های ورزشی متنوع و بسیاری در کشور فعالیت دارند وزارت ورزش و جوانان و ادارات استانی، فدراسیون‌ها و هیأت‌ها، باشگاه‌ها، و ... که سبب شده است ورزش مانند یک صنعت اقتصادی، یک نظام سیاسی و یک نهاد اجتماعی از حجم بسیار بزرگی برخوردار باشد (سند برنامه ششم توسعه ورزش، ۱۳۹۶). از این رو نظام ورزش به مثابه یک سیستم سیاسی-اقتصادی-اجتماعی است.

ورزش زنان در هر سه مقوله توسعه حقوقی، مدیریت فناوری و توسعه پایدار با چالش‌های اساسی روبرو است (براساس تحلیل سوات سند برنامه ششم توسعه ورزش، ۱۳۹۶). برحسب شواهد، آمار و اطلاعات موجود در اسناد سازمانی، منابع علمی و صفحات رسانه‌ای؛ وجود ناهماهنگی میان سازمانی (مثلا ورزش قهرمانی و حرفه‌ای)، ناکارایی ساختارها (بروکراسی اداری و ضعف تصمیم‌گیری)، کاستی‌های موجود برنامه‌های توسعه ورزش (اجمالی بودن و عدم هدف‌گذاری مبتنی بر اطلاعات واقعی)، به‌روز نبودن سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی مدیریت ورزش کشور (وب سایت، و...)، خلأ قوانین و مقررات ورزش و نبود معیارها و الگوی جامع سنجش عملکرد و ارزیابی توسعه ورزش (شکری، ۱۳۹۵) سبب شده است تا توسعه حقوقی، فناوری و پایدار در حوزه ورزش زنان پیچیده و دارای ابهام زیاد باشد. از این رو شناسایی شاخص‌های کلیدی و تعیین وضعیت این عوامل در کنار شناخت رابطه بین آن‌ها جزو اولین گام‌ها در ساماندهی به امور ورزش زنان و رفع مشکلات آن است.

جهت تبیین بهتر مساله پژوهش به مرور و نقد تحقیقات پیشین اقدام شد. در تحقیقات داخلی؛ غیاثوند و صبوری (۱۳۹۰) در بررسی رابطه حکمرانی منابع و رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع معدنی نشان دادند که رابطه مثبت و معنی داری بین رشد اقتصادی و شاخص‌های حکمرانی منابع (ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و ...) وجود دارد. محمدی بنستانی (۱۳۹۱) در بررسی اثر استقرار مدیریت فناوری بر عملکرد سازمانی شرکت برق نشان داد که مدیریت فناوری اثر مستقیم و معنا داری بر عملکرد سازمانی دارد. مکیان و بی‌باک (۱۳۹۴) در بررسی تأثیر بر توسعه انسانی نشان دادند که در کشورهای OECD رابطه مثبت و معنی داری بین شاخص و آزادی اقتصادی با توسعه انسانی وجود دارد، اما در کشورهای اسلامی این رابطه از نظر آماری معنا دار نیست. خسرو آبادی و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی رابطه حکمرانی خوب با نابرابری درآمدی در کشورهای منتخب نشان داد که مؤلفه‌های حکمرانی اثر مثبت و معنی داری بر توزیع درآمد دارند. رحیمی زاده (۱۳۹۵) در طراحی مدل تجارت الکترونیک در صنعت ورزش کشور گزارش کرد که عوامل حقوقی، فناوری و مدیریتی از منظرهای کلیدی چارچوب توسعه تجارت الکترونیک در صنعت ورزش کشور هستند. صفریان و امام جمعه‌زاده (۱۳۹۶) در بررسی رابطه سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی همه‌جانبه نشان داد که جنبه‌های نهادی- سازمانی (مدیریتی) و سیاسی - حقوقی (ماهیتی) بر نیروهای گوناگون اجتماعی با یک ساختار افقی و شبکه‌ای اثر قابل توجهی دارند و این سبب توسعه همه جانبه می‌شود. مهرابی (۱۳۹۶) در طراحی مدل حکمرانی در فدراسیون‌های ورزشی شاخصهای استخراج شده را به ترتیب در ابعاد شفافیت و پاسخگویی، مشارکت-جویی، قانونمداری، مسئولیت‌پذیری، مبارزه با فساد، رعایت موازین اخلاقی، نظارت و کنترل و اثربخشی چارچوب‌بندی کرد و گزارش کرد که این عوامل به صورت معنی داری تبیین کننده حکمرانی در فدراسیون‌های ورزشی هستند. احمدی و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی در ورزش مبتنی بر نقش سرمایه اجتماعی نشان داد و سرمایه اجتماعی در جامعه مورد مطالعه پایین‌تر از حد متوسط است و سرمایه اجتماعی اثرات مثبتی بر ابعاد توسعه اجتماعی دارد.

در تحقیقات خارجی: اپشتین^۱ (۲۰۰۷) در بررسی محورهای توسعه حقوقی ورزش نشان دادند که ابعاد شغلی، مالی، قضایی و... در اولویت نیازهای حقوقی سیستم ورزش قرار دارند. کتانی و مولیان^۲ (۲۰۱۴) در بررسی نقش مدیریت فناوری و در توسعه کشورهای منتخب نشان داد که موفقیت پروژه‌های بزرگ

1. Epstein
2. Kettani, D., & Moulin

و ملی خدمات عمومی با میزان کارآمدی مدیریت فناوری و ارتباط دارد. کوردلا و تمپینی^۱ (۲۰۱۵) در بررسی مدیریت فناوری و تغییر سازمانی گزارش کردند که ارائه خدمات دولتی الکترونیک و یکپارچه، رفع شکاف طبقاتی، امکان آموزش مادام العمر، بازسازی روابط میان دولت ها با مردم، توسعه اقتصادی و ایجاد یک نوع حکومت مشارکتی مهم ترین راهکارهای شناسایی شده در این زمینه اند. مون^۲ (۲۰۱۵) در بررسی نقش حکومتداری خوب و مدیریت فناوری برای برنامه اجرایی در سیاست عمومی و اصلاحات اداری نشان دادند که تحقیق سیاست عمومی و میزان توانایی انجام اصلاحات اداری با میزان کارآمدی حکومتداری خوب و مدیریت فناوری ارتباط قابل توجهی دارد. نیسا^۳ (۲۰۱۵) در بررسی ارتباط توسعه پایدار و خدمات دولتی الکترونیکی محلی نشان دادند گسترش خدمات آنلاین در ادارات دولتی مهم ترین نیاز و مشارکت شهروندان در تصمیم گیری مهم ترین راهبرد هستند. کوتکا^۴ و همکاران (۲۰۱۶) در ارزیابی نقش سیاست و توسعه حقوقی در خدمات مدیریت فناوری نشان دادند که پیاده سازی و پایدارسازی خدمات مدیریت فناوری بستگی مستقیمی به تطبیق آن با محیط سیاسی و حقوقی دارد. پنا^۵ (۲۰۱۶) در تحلیل نظرسنجی مدیریت فناوری سازمان ملل در بررسی حمایت مدیریت فناوری از توسعه پایدار نشان داد که درک دولت ها برای ارائه خدمات و مشارکت مردم در فرایندهای تصمیم گیری ارتقا یافته است. فقدان دسترسی به تکنولوژی، فقر و نابرابری مانع از دستیابی افراد به طور کامل از پتانسیل فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت فناوری برای توسعه پایدار می شود. لی^۶ (۲۰۱۷) در بررسی رابطه بین توسعه مدیریت فناوری و پایداری محیطی در مورد کشورهای کوچک نشان داد که رابطه معنی داری بین این دو مولفه وجود دارد اما متغیرهای میانجی تا حد زیادی می توانند این رابطه را تعدیل کنند. آنیسنکو^۷ و همکاران (۲۰۱۸) در بررسی همکاری منطقه ای در زمینه حفاظت از محیط زیست به عنوان مثالی از اثر مدیریت فناوری بر توسعه پایدار نشان دادند که مدیریت فناوری منجر به ارتقای اکثر شاخص های توسعه پایدار می شود. جوشی و اسلام^۸ (۲۰۱۸) در طراحی مدل بلوغ مدیریت

1. Cordella, A., & Tempini
2. Moon
3. Nica
4. Kotka
5. Peña
6. Lee
7. Aniscenko
8. Joshi & Islam

فناوری برای خدمات دولتی پایدار از منظر کشورهای در حال توسعه گزارش کردند که نشان داد که بین سطح بلوغ مدیریت فناوری و میزان افزایش پایداری کیفیت خدمات تناسب وجود دارد. در نقد تحقیقات داخلی و خارجی مرور شده می‌توان به دو خلاء اساسی اشاره کرد: یکی آنکه این متغیرها تاکنون به صورت تخصصی در ارتباط با حوزه سازمانی ورزش زنان مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، دیگر اینکه تحلیل همزمان آن‌ها در چارچوب یک مدل ساختاری مورد توجه نبوده است. این در حالی است که در محیط به شدت در حال تغییر و تحول کنونی صنعت ورزش به نظر می‌رسد که برای هماهنگ شدن با تحولات محیطی، مدیران نهادها و سازمان‌های مختلف ناگزیرند تا آنجا که امکان دارد اولاً، بینش فکری مناسبی از آینده داشته باشند و روند حرکت ساختارهای تحت امر خود را با شناخت عوامل کلیدی ترسیم کنند (مدلسازی) و ثانیاً، با اتخاذ و اجرای فرآیند برنامه‌ریزی، همواره خود را برای متحول شدن به منظور سازگاری با دگرگونی‌های محیطی آماده نگه دارند که این امر مستلزم موفقیت در مرحله قبل است.

در تبیین اهمیت و ضرورت بررسی متغیرهای پژوهش در حوزه ورزش زنان می‌توان گفت از آنجا که سیستم ورزش از عناصر و بخش‌های زیادی تشکیل شده است که در حال تعامل و همکاری با یکدیگر هستند و این سیستم تحت تأثیر بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور با رکود بی‌سابقه‌ای مواجه شده است بنابراین مدیریت در چنین سیستمی بسیار پیچیده و غیرقابل درک خواهد بود. تحقیقات و مدل‌ها ارائه شده توسط محققان به مدیران کمک می‌کنند که با ساده‌سازی کلیات سیستم مذکور به درک بهتری از تمامیت آن دست یابند. مدل‌سازی بهتر می‌تواند روابط پدیده‌های علمی را توضیح دهد و درک مکانیسم‌های پژوهشی، تجاری، مدیریتی و ... را آسان‌تر کند. اهمیت بررسی متغیرهای انتخابی در این پژوهش به دلیل فقدان تحلیل‌ها و مدل‌های قابل‌اتکا و دارای مصادیق عینی در نظام ورزش کشور می‌تواند در صورت وجود تمایلات محیطی در سطح قابل‌توجهی قرار بگیرد. زیرا سازمان‌های متولی توسعه ورزش با وجود توانمندی‌های ساختاری و اجرایی به تنهایی نمی‌تواند اهداف و راهبردها را تحقق دهند (شواهد فعلی از وضعیت ورزش کشور گویای این مسئله است) زیرا سیستم ورزش یک زمینه پویا با محیط پیچیده و ساختار چندبخشی است و خروجی مطلوب این سیستم نیازمند یک چارچوب راهبردی یکپارچه می‌باشد. استفاده از تحلیل‌های کلان‌نگر در ارزیابی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری می‌تواند به کاهش ناکارایی برنامه‌های فعلی و جزیره‌ای عمل کردن در حوزه توسعه ورزش کشور منجر شود. بنابراین از یک سو باید عوامل کلیدی شناسایی و ارزیابی شوند و از سوی دیگر براساس آن‌ها مدل‌های فکری و هدایتگر ترسیم شود. بر اساس این دیدگاه و با اتکا به تفکر سیستمی و کل‌نگر، چنانچه ورزش

زنان به عنوان یک نظام نهادی و سیستم اجتماعی و در درون سیستم‌های بزرگتری همچون نظام کشور در نظر گرفته شود، عملکرد سازمان (های) ورزشی در زمینه‌های در دستیابی به اهداف توسعه، همزمان از عواملی گوناگون و در سطوح مختلفی تأثیر می‌پذیرد که در این میان توسعه حقوقی، مدیریت فناوری و توسعه پایدار نقش محوری دارند. شناسایی مولفه‌های مربوط به این متغیرها و روابط بین آن‌ها در چارچوب یک مدل ساختاری هدف اصلی این پژوهش است. در واقع هدف از پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که آیا از دیدگاه صاحب‌نظران، توسعه حقوقی ورزش زنان می‌تواند اثر قابل توجهی بر توسعه پایدار آن داشته باشد؟ و آیا مدیریت فناوری می‌توان اثر بین دو متغیر مذکور را تقویت نماید؟

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق از نوع توصیفی و پیمایشی با رویکرد تحلیل همبستگی (مدلسازی معادلات ساختاری) بود. جامعه آماری شامل افراد آگاه به موضوع پژوهش در سازمان‌های ورزشی کشور بود. نمونه آماری به روش هدفمند از مدیران و کارشناسان سازمانی (وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌های ورزشی و...) و اساتید و پژوهشگران دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه‌های کشور (دارای سابقه اجرایی در ورزش زنان) انتخاب شد. برآورد نمونه براساس تعداد قابل کفایت جهت مدلسازی در محیط نرم‌افزار اسمارت پی‌ال-اس^۱ به تعداد ۱۰ تا ۲۰ برابر تعداد ابعاد متغیرهای اصلی در مدل (داوری و رضازاده، ۱۳۹۴) انجام گردید. براین اساس نمونه آماری به تعداد ۱۱ برابر تعداد ابعاد متغیرهای اصلی (۱۶ بعد برای ۴ متغیر) در نظر گرفته شد (۱۷۶ نفر). جهت اطمینان از دریافت پرسشنامه‌ها ۲۰۰ پرسشنامه توزیع گردید و ۱۸۵ پرسشنامه دریافت شده که از بین آن‌ها ۱۷۴ پرسشنامه به طور کامل پاسخ داده شده بودند. پرسشنامه به صورت حضوری (نسخه پرینت) و مجازی (لینک الکترونیک) و براساس هماهنگی قبلی تیم تحقیق در اختیار نمونه آماری قرار داده شد.

ابزار اصلی پژوهش شامل پرسشنامه نیمه محقق ساخته براساس تحقیقات پیشین معتبر در هر یک از متغیرها بود. پرسشنامه اولیه بر مبنای تحقیقات (بخش پیشینه پژوهش در مقدمه) به صورت اولیه تنظیم شد سپس از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه ساختارمند با افراد خبره (۴ نفر) از جامعه آماری تکمیل شد. پرسشنامه شامل سه متغیر (توسعه حقوقی، مدیریت فناوری و توسعه پایدار) به

1. Smart pls

همراه ابعاد آن‌ها (هر کدام چهار بُعد مطابق جدول ۳) در قالب ۴۲ سوال با مقیاس ۵ ارزشی لیکرت (از بسیار کم = ۱ تا بسیار زیاد = ۵) بود.

روایی محتوایی ابزار از طریق نظر خبرگان (۱۲ نفر: ۷ مدیر ورزشی و ۵ استاد مدیریت ورزشی) ارزیابی و تایید شد. سپس پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ترکیبی مطلوب ارزیابی گردید. در نهایت روایی سازه از طریق مراحل مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم افزار پی ال اس بررسی و تایید شد. از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش شامل چند بخش است: توصیف نمونه آماری، روایی پژوهش و مدل پژوهش. توصیف نمونه آماری تحقیق نشان داد که عمده افراد نظرخواهی شده از مجموعه وزارت ورزش و جوانان و ادارات ورزش و جوانان استان‌ها، پست مدیران، تحصیلات فوق لیسانس و جنسیت مرد و زن بودند و دارای میانگین سنی ۴۵/۸۳ سال و میانگین سابقه شغلی ۱۹/۳۴ سال هستند.

جدول ۱. توصیف نمونه آماری پژوهش

مشخصه	زیربخش		
سازمان	مجموعه وزارت ورزش و ادارات کل ورزش و جوانان	کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی	دانشگاه (رشته مدیریت ورزشی)
	۱۶	۲۳	۹۷
پست یا تخصص	مدیران	کارشناس ستادی	استاد دانشگاه
	۲۳	۴۹	۳۱
تحصیلات	فوق لیسانس	دکتری	
	۱۰۶	۶۸	
جنسیت	زن	مرد	
	۴۶	۱۲۸	
سن (سال)	میانگین	کمترین	بیشترین
	۴۵/۸۳	۲۶	۶۸
سابقه شغلی (سال)	میانگین	کمترین	بیشترین
	۱۹/۳۴	۴	۴۳

در بخش روایی، بار عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه، محاسبه شد که مقدار مناسب آن برابر و یا بیشتر از ۰/۴ بود. در واقع بار عاملی بیانگر این مطلب بود که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده است. تمامی بارهای عاملی سنجه‌هایی که در سازه مربوط به خود بالاتر از ۰/۴ بودند حفظ؛ و سؤالاتی که دارای بارهای عاملی کمتر از ۰/۴ بودند از مدل پژوهش حذف شدند که تعداد آن تنها ده سؤال بود. لذا در ادامه تجزیه و تحلیل پژوهش بر اساس سؤال‌های تأیید شده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج مدل‌سازی شامل دو بخش مربوط به شاخص‌های برازش و ضرایب روابط متغیرهای مدل است. در بخش برازش مدل، اولین شاخص مورد بررسی شامل روایی همگرا بود که معیار متوسط واریانس استخراج‌شده (AVE) ارزیابی شده و مطلوب (مساوی و بالاتر از ۰/۵) می‌باشد. جهت بررسی روایی واگرایی مدل اندازه‌گیری، از معیار فروئل و لاکر و لاتنت استفاده شد و نشان داد که میزان ماتریس برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل باشد. پایایی ترکیبی (CR) یک شاخص تحلیل پایایی (قوی تر از آلفای کرونباخ) است که میزان مساوی و بالای ۰/۷ مناسب ذکر شده است. مقدار R2 برای برازش سازه‌های درون‌زای (وابسته) مدل محاسبه می‌گردد و دارای سه سطح ضعیف (۰/۱۹)، متوسط (۰/۳۳) و قوی (۰/۶۷) است. معیار Q2 قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد و در مورد یک سازه درون‌زا قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی (سه مقدار ۰,۰۲، ۰,۱۵ و ۰,۳۵) را مشخص می‌نماید. برازش کلی مدل نیز شاخص GOF بود که در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیف متغیرها و شاخص‌های برازش مدل‌سازی

شاخص‌های برازش مدل					شاخص‌های توصیف		متغیرها
GOF	Q2	R2	CR	AVE	انحراف میانگین استاندارد		
	۰,۵۱۱	یرون زا	۰/۸۵	۰/۵۵	۰/۴۷	۳/۶۹	توسعه حقوقی
۰/۰۹	۰,۰۹۶	۰/۷۱	۰/۹۲	۰/۶۳	۰/۳۰	۳/۸۱	مدیریت فناوری
	۰,۲۴۱	۰/۵۵	۰/۹۳	۰/۶۷	۰/۴۴	۳/۲۴	توسعه پایدار

بخش مدلسازی پژوهش شامل دو بخش تحلیل عاملی تاییدی و تحلیل مسیر بود. براساس جدول ۳ و شکل ۲ تحلیل عاملی سازه‌های پژوهش نشان داد که: نهادهای حقوقی، نقش‌های حقوقی، فعالیت‌های حقوقی و اسناد و مواد حقوقی به ترتیب میزان اثر تبیین کننده توسعه حقوقی نظام ورزش هستند. ابعاد مشارکت الکترونیکی، زیرساخت الکترونیکی و قوانین الکترونیکی به ترتیب اولویت نقش معنی‌داری در تبیین استقرار مدیریت فناوری در ورزش زنان دارند. نظارت سیستماتیک، ساختار دموکراتیکی، رهبری ذی‌نفع‌مدار و هم‌افزایی عملکردی نیز به ترتیب میزان اثر تبیین کننده نظام ورزش هستند. توسعه مشارکت و هماهنگی بخشی و فرابخشی، توانمندسازی و بهسازی منابع انسانی، بهبود مستمر عملکرد و قابلیت‌ها و پایدارسازی و تنوع‌بخشی فرایندها و منابع به ترتیب اولویت نقش معنی‌داری در تبیین توسعه پایدار در ورزش زنان دارند.

جدول ۳. نتایج فرضیات پژوهش

متغیر	-- <	ابعاد	ضریب	آزمون T	سطح معنی- داری
توسعه حقوقی	-- <	نهادهای حقوقی	۰/۸۱۰	۹۱/۳۲	۰/۰۰۱
	-- <	نقش‌های حقوقی	۰/۷۹۴	۴۲/۳۷	۰/۰۰۱
	-- <	اسناد و مواد حقوقی	۰/۶۸۵	۷۸/۳۶	۰/۰۰۱
مدیریت فناوری	-- <	فعالیت‌های حقوقی	۰/۷۶۲	۲۱/۳۹	۰/۰۰۱
	-- <	زیرساخت الکترونیکی	۰/۸۳۷	۵۷/۴۹	۰/۰۰۱
توسعه پایدار	-- <	مدیریت فناوری	۰/۸۵۷	۵۰/۳۸	۰/۰۰۱
	-- <	قوانین الکترونیکی	۰/۶۲۹	۱۶/۴۷	۰/۰۰۱
توسعه پایدار	-- <	مشارکت الکترونیکی	۰/۸۴۸	۵۷/۲۲	۰/۰۰۱
	-- <	پایدارسازی و تنوع‌بخشی فرایندها و منابع	۰/۶۸۸	۲۵/۱۳	۰/۰۰۱
پایدار	-- <	بهبود مستمر عملکرد و قابلیت‌ها	۰/۷۳۷	۱۵/۲۳	۰/۰۰۱

تحلیل عاملی ابعاد هر متغیر

۰/۰۰۱	۳۲/۸۷	۰/۷۹۰	توانمندسازی و بهسازی منابع انسانی	-- <
۰/۰۰۱	۴۷/۵۳	۰/۸۴۷	توسعه مشارکت و هماهنگی بخشی و فرابخشی	-- <

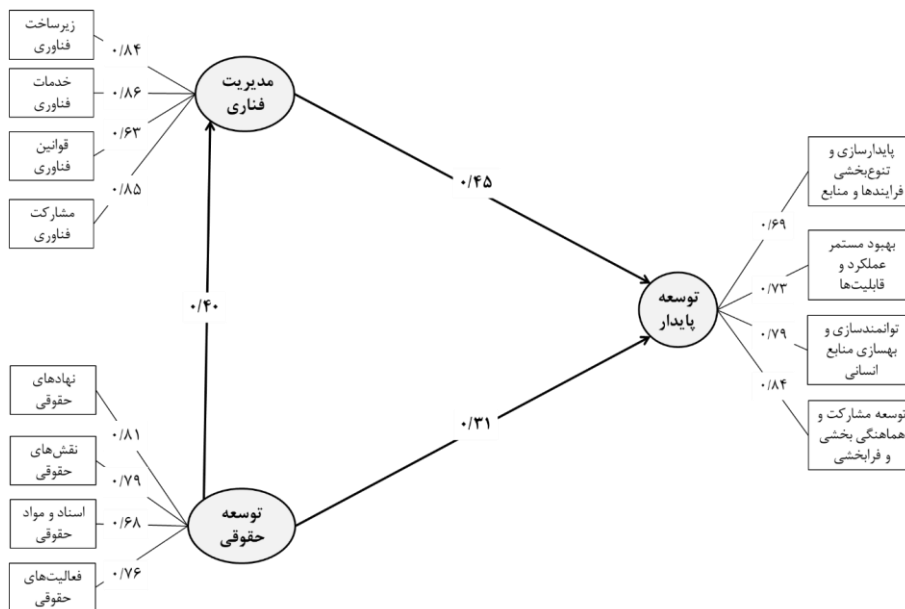
متغیر	-- <	متغیر	ضریب	آزمون T	سطح معنی داری
توسعه حقوقی	-- <	مدیریت فناوری	۰/۳۹۸	۱۲/۲۷	۰/۰۰۱
توسعه حقوقی	-- <	توسعه پایدار	۰/۳۰۹	۱۶/۶۲	۰/۰۰۱
مدیریت فناوری	-- <	توسعه پایدار	۰/۴۵۴	۱۸/۳۱	۰/۰۰۱

روابط	فرضیات میانجی	آزمون سوبل ^۱	VAF
غیرمستقیم	-- < مدیریت فناوری -- < توسعه پایدار	۵/۲۴	۰/۴۲

براساس جدول ۳ و شکل ۲ تحلیل مسیر روابط مستقیم بین متغیرها نشان داد که توسعه حقوقی اثر معنی داری بر مدیریت فناوری (۰/۳۹۸) و توسعه پایدار (۰/۳۰۹) دارد. مدیریت فناوری نیز دارای اثر معنی داری بر توسعه پایدار (۰/۴۵۴) می باشد.

براساس آزمون سوبل تست، اثر غیرمستقیم توسعه حقوقی بر توسعه پایدار از طریق میانجی مدیریت فناوری دارای ضریب ۰/۴۲ است.

1. Sobel test



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش براساس خروجی نرم‌افزار

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل عاملی سازه‌های پژوهش نشان داد که نهادهای حقوقی، نقش‌های حقوقی، فعالیت‌های حقوقی و اسناد و مواد حقوقی به ترتیب میزان اثر، تبیین کننده توسعه حقوقی نظام ورزش زنان هستند. با توجه به اینکه در ایران نهادهای حقوقی مراجع اصلی بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها هستند و حتی در برخی موارد فراتر از چارچوب‌های خود نیز عمل می‌کنند از این رو به نظر می‌رسد پاسخ‌دهندگان اولویت بالاتری برای آن قائل بوده‌اند. براساس مبانی مدیریت و توسعه نیز می‌توان گفت که نهادها به دلیل نقش ساختاری بر منابع انسانی و فرایندها تقدم دارند و ضرورت دارد ابتدا آن‌ها را عارضه‌یابی و کارآمد نمود. در سند توسعه محیط حقوقی طرح جامع ورزش کشور (۱۳۸۳) نهادها و مراجع حقوقی به عنوان نقش محوری تعریف شده‌اند. وزارت ورزش و جوانان در سند برنامه ششم توسعه خود (۱۳۹۶) به کمبود مراجع حقوقی ورزش به عنوان یکی از ضعف‌های اساسی توجه کرده و استراتژی مستقلی برای آن تعریف کرده است. همچنین ایشیتین (۲۰۰۷) در بررسی محورهای توسعه حقوقی ورزش نشان دادند که ابعاد شغلی، مالی، قضایی و ... در اولویت نیازهای حقوقی سیستم ورزش قرار دارند که با نتایج این پژوهش همسویی دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود که در مدیران و تحلیلگران مدیریت و توسعه ورزش

در بررسی محیط حقوقی بین ابعاد نهادی، نقش و فعالیت‌ها تفکیک مشخص قائل شوند و به روابط بین آن‌ها توجه نمایند.

ابعاد مشارکت الکترونیکی، زیرساخت الکترونیکی و قوانین الکترونیکی نیز نقش معنی‌داری در تبیین استقرار مدیریت فناوری در ورزش زنان دارند. از بین مولفه‌های مدیریت فناوری، خدمات جایگاه ویژه‌ای دارد. زیرا هم شاخص اصلی کیفیت سیستم است و هم برای ذینفعان و مشتریان بیشتر از سایر مولفه ملموس و دارای کاربرد است. در واقع بستر الکترونیک فراتر از قابلیت‌های نرم‌افزاری و پشتیبانی نیازمند مشارکت‌پذیری مناسب به ویژه توسط ذینفعان است. محمدی بنستانی (۱۳۹۱) نشان داد که کیفیت مدیریت فناوری از قابلیت بالایی برای پیش‌بینی عملکرد سازمانی برخوردار است. جوشی و اسلام (۲۰۱۸) گزارش کردند که نشان داد که سطح بلوغ مدیریت فناوری بیشترین وابستگی را به کیفیت خدمات دارد که با نتایج این پژوهش همسویی دارد. رحیمی زاده (۱۳۹۵) نیز این ابعاد را مدل توسعه تجارت الکترونیک صنعت ورزش کشور تبیین کرده است. از این رو پیشنهاد می‌رود که استقرار فناوری در سازمان‌های ورزشی تنها به مثابه ارائه خدمات الکترونیکی دیده نشود بلکه همه ابعاد آن مورد توجه قرار بگیرد.

ابعاد توسعه مشارکت و هماهنگی بخشی و فرابخشی، توانمندسازی و بهسازی منابع انسانی، بهبود مستمر عملکرد و قابلیت‌ها و پایدارسازی و تنوع‌بخشی فرایندها و منابع نقش معنی‌داری در تبیین توسعه پایدار در ورزش زنان دارند. تحقیقات و شواهد بسیاری نشان داده‌اند که یکی از دلایل اصلی ناکارآمدی سیستم عملکردی سازمان‌های ورزشی تداخل برنامه‌ای و اجرایی بین آن‌ها است. در واقع در حوزه‌های مشترک سازمان‌های ورزشی به صورت جزیره‌ای، ناهماهنگ و مشابه هم عمل می‌کنند و این امر سبب هدر رفتن منابع و خلاءهای زیاد می‌شود. همچنین در اکثر حوزه تنها یک نهاد متولی اصلی و غالب بوده و با رکود مواجه هستند. از این می‌توان گفت اولین گام در بازطراحی ساختار نظام ورزش و ارتقای سطح عملکردی آن توسعه مشارکت و هماهنگی بخشی و فرابخشی می‌باشد. این نتایج با اولویت بندی تحقیق مکیان و بی‌باک (۱۳۹۴) همسویی دارد اما با اولویت‌بندی لی (۲۰۱۷) تفاوت دارد که احتمالا به دلیل جامعه آماری و میزان کلی بودن شاخص‌ها می‌باشد. از این رو پیشنهاد می‌شود توجه به پایداری سازمانی و توسعه پایدار در حوزه ورزش زنان تنها به معطوف به برخی شاخص‌های مدیریت سبز نباشد بلکه جنبه‌های جامعی از پایداری مورد توجه قرار بگیرد.

تحلیل مسیر روابط بین متغیرها نشان داد که توسعه حقوقی اثر معنی‌داری بر مدیریت فناوری و توسعه پایدار دارد. مدیریت فناوری نیز دارای اثر معنی‌داری بر توسعه پایدار می‌باشد. معنی‌دار و مثبت بودن این روابط به صورت مستقیم بیانگر این است که این عوامل وابستگی ساختاری - کارکردی بالایی با هم دارند. در هر ساختاری قوانین و مقررات اساس و پایه سایر عناصر و عوامل هستند و محدوده و جهت تعریف شده برای همه فرایندها و نقش‌های فعال در سیستم بر حسب توسعه حقوقی صورت می‌گیرد. از طرفی دیگر مدیریت فناوری تنها در بخش خدمات صورت نمی‌گیرد و همه سیستم سازمانی را درگیر می‌نماید و در آن نقش دارند. از این رو ساختارهای حقوقی و خدماتی موجود در سیستم جهت انسجام و یکپارچه‌سازی بین آن‌ها نقش کلیدی دارد. در نهایت هدف اصلی حرکت هماهنگ بخش‌های مختلف سازمان از طریق ابزارهای حقوقی و فناوری در واقع همان توسعه پایدار است، و با توجه به نقش کلیدی توسعه حقوقی و مدیریت فناوری در عملکرد و بهره‌وری نظام ورزش، در حد قابل توجهی تعیین‌کننده میزان دستیابی به توسعه پایدار خواهند بود. گیائوند و صبوری (۱۳۹۰) نشان دادند که رابطه مثبت و معنی‌داری بین رشد اقتصادی و شاخص‌های حکمرانی منابع (ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و ...) وجود دارد. مکیان و بی‌باک (۱۳۹۴) نشان دادند که در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌داری بین شاخص و آزادی اقتصادی با توسعه انسانی وجود دارد، اما در کشورهای اسلامی این رابطه از نظر آماری معنادار نیست. خسرو آبادی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که مؤلفه‌های حکمرانی اثر مثبت و معنی‌داری بر توزیع درآمد دارند. کتانی و مولیان (۲۰۱۴) نشان داد که موفقیت پروژه‌های بزرگ و ملی خدمات عمومی با میزان کارآمدی مدیریت فناوری و ارتباط دارد. مون (۲۰۱۵) نشان دادند که تحقیق سیاست عمومی و میزان توانایی انجام اصلاحات اداری با میزان کارآمدی حکومتداری خوب و مدیریت فناوری ارتباط قابل توجهی دارد. پنا (۲۰۱۶) نشان داد که فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت فناوری اساس اقدامات توسعه پایدار است. آنیسنکو و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که مدیریت فناوری منجر به ارتقای اکثر شاخص‌های مدیریت و توسعه پایدار می‌شود. تحقیقات مذکور با نتایج این پژوهش همسویی دارند.

در روابط غیر مستقیم، اثر غیر مستقیم توسعه حقوقی با میانجی مدیریت فناوری از اثر مستقیم آن کمتر است، اما اثر غیر مستقیم آن بر توسعه پایدار میانجی مدیریت فناوری از اثر مستقیم آن بیشتر است. همچنین اثر غیر مستقیم مدیریت فناوری بر توسعه پایدار از اثر مستقیم آن کمتر است. تفاوت بین روابط مستقیم و غیر مستقیم نشان می‌دهد که توسعه حقوقی به خودی خود نمی‌تواند تا حد بالایی پیش‌بینی‌کننده و ایجاد‌کننده توسعه پایدار باشد. از این رو اثرات آن از طریق کارآمدسازی

سیستم مدیریت فناوری و تثبیت است که منجر به ارتقای مولفه‌های توسعه پایدار می‌شود. این قضیه برای مدیریت فناوری صدق نمی‌کند. زیرا سیستم مدیریت فناوری سبب دسترسی بهتر و بیشتر گستره بیشتری از ذینفعان به خدمات و منابع می‌شود و به صورت مستقیم بسیاری از مولفه‌های توسعه پایدار را ارتقا می‌دهد. از این رابطه مدیریت فناوری - توسعه پایدار نیاز کمتری به مداخله دارد. صفریان و امام جمعه‌زاده (۱۳۹۶) نشان داد که جنبه‌های نهادی - سازمانی (مدیریتی) و سیاسی - حقوقی (ماهیتی) بر نیروهای گوناگون اجتماعی با یک ساختار افقی و شبکه‌ای اثر قابل توجهی دارند و این سبب توسعه همه جانبه می‌شود. کوردلا و تمپینی (۲۰۱۵) در بررسی مدیریت فناوری و تغییر سازمانی گزارش کردند که بدون خدمات دولتی الکترونیک ایجاد تغییرات بلندمدت مسیر نخواهد بود. نیسا (۲۰۱۵) نشان دادند گسترش خدمات آنلاین در ادارات دولتی مهم‌ترین نیاز و مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری مهم‌ترین راهبرد هستند. کوتکا و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که پیاده‌سازی و پایدارسازی خدمات مدیریت فناوری بستگی مستقیمی به تطبیق آن با محیط سیاسی و حقوقی دارد. لی (۲۰۱۷) نشان داد که رابطه معنی‌داری بین توسعه مدیریت فناوری و پایداری محیطی وجود دارد اما متغیرهای میانجی (مدیریتی، اجتماعی، و...) تا حد زیادی می‌توانند این رابطه را تعدیل کنند. این مطالعات یافته‌های این پژوهش را تایید می‌کنند.

جریان کلی روابط بین متغیرها از سطح ساختاری (بستوانه حقوقی و فناوری محوری) به سمت کارکردی (عملکرد پایدار) است. در واقع لازم است ابتدا ابعاد حقوقی و قابلیت‌های فناوری درون سیستم ورزش کارآمد و نظام‌مند شود سپس چارچوب راهبردی متناسب با آن ارائه گردد تا به دستاوردهای مطلوب منجر شود. براساس کلیات یافته‌های می‌توان گفت که مدیریت و توسعه حقوقی، فناوری و پایدار ورزش زنان، فرایندی سیستماتیک و چندسطحی است که در هر سطح و مرحله دارای ویژگی‌های مختص به خود می‌باشد و از عوامل همبسته خود اثر می‌پذیرند. از این رو ضرورت دارد تا ارتباط بین عوامل در درون هر سطح و با سایر سطوح را در نظر گرفته شوند. به طور مشخص باید گفت که یک جریان راهبردی و نظام‌مند است که از طریق ظرفیت‌سازی محیط حقوقی درونی و بیرونی سیستم ورزش، ضمن ارتقای قابلیت فناوری، دامنه عملکردی و پایداری آن‌ها را گسترش می‌دهد تا به پیامدهای موردنظر برسد.

در نهایت براساس یافته‌های پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می‌شود: محیط حقوقی ورزش زنان کشور از طریق ابزارهای سازمانی مانند آئین‌نامه‌ها و مصوبات تقویت شود. برنامه‌ها و مشوق‌های فرهنگ‌سازی و

آموزش‌های مناسب در زمینه مدیریت و توسعه حقوقی، فناوری و پایداری تعریف شود و به صورت مشارکتی در چارچوب یک تقویم زمانی مشخص ارائه گردند. زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و دسترسی به شبکه مدیریت پایدار جهانی در مراکز و سازمان‌های ورزشی کشور فعال شود. مطالعات تطبیقی بین ایران با سایر کشورها در ارتباط با متغیرهای پژوهش صورت بگیرد. یک سیستم نظارت و هدایت فرابخشی از خبرگان کشور تشکیل شود و بستر فعالیت آن ظرفیت‌سازی گردد. ظرفیت‌های ورزش زنان برای سیاست‌گذاران و کارگزاران کشور مشخص و تبیین شود تا در اولویت پایینی برای آن‌ها قرار نگیرد. ۹. واحدها و کمیته‌های پژوهشی موجود در سازمان‌های ورزشی به قابلیت فناوری و دانش ارتقا پیدا کنند. در آئین‌نامه‌ها، قوانین، اسناد و برنامه‌های مراکز با مدیریت پایدار در ورزش بازنگری انجام شود و بر ابعاد حقوقی و فناوری تأکید شود.

منابع

- Ahmadi Behesht; Yousefi Bahram; Eidi Hossein (1397). In Sports: The Role of Social Capital in Promoting It Research in Educational Exercise. Online release. Digital Identifier (DOI): 10.22089/res.2017.4377.1319
- Aniscenko, Z., Robalino-López, A., Rodríguez, T. E., & Pérez, B. E. (2017). Regional Cooperation in Dealing with Environmental Protection. E-government and Sustainable Development in Andean Countries. In Proceedings of the 11th International Scientific and Practical Conference. Volume I (Vol. 13, p. 19).
- Cordella, A., & Tempini, N. (2015). E-government and organizational change: Reappraising the role of ICT and bureaucracy in public service delivery. *Government Information Quarterly*, 32(3), 279-286.
- Davari Ali, Rezazadeh Arash (1395), Modeling Structural Equations with PLS Software, Jihad Daneshgahi. First Edition. Tehran
- Development of legal environment, Detailed document of the comprehensive system of physical education and sports development of the country (2004), compilation of the educational organization of the Islamic Republic of Iran.
- Ghyyasvand, Abolfazl; Sabouri, Fatemeh (2011) The Relationship between Resource Governance and Economic Growth in Mineral Resources

Countries, Quarterly Journal of Financial Economics. Volume 5 (16): 113-134.

Joshi, P. R., & Islam, S. (2018). E-Government Maturity Model for Sustainable E- Government Services from the Perspective of Developing Countries. Sustainability (2071-1050), 10(6).

Kettani, D., & Moulin, B. (2014). E-government for good governance in developing countries: Empirical evidence from the eFez project. Anthem Press.

Khosrow Abadi Mohammad, Zayandeh Roody Mohsen, Shakibai Alireza (1395). The Effect of Good Governance Indicators on Income Inequality in Selected Countries Southwest Asia and the Countries of the Organization for Economic Cooperation and Development, No. 61: 159-185.

Kotka, T., Kask, L., Raudsepp, K., Storch, T., Radloff, R., & Liiv, I. (2016, March). Policy and legal environment analysis for e-Government services migration to the public cloud. In Proceedings of the 9th International Conference on Theory and Practice of Electronic Governance (pp. 103-108). ACM.

Lee, Y. (2017). Exploring the relationship between E-government development and environmental sustainability: A study of small island developing states. Sustainability, 9(5), 732.

Makian Seyyed Nizamuddin; Bahaq Mojdeh (1394) Impact on Human Development: An Intergovernmental Analysis, Volume 9, Issue 30: 131-147.

Mehrabi, Qasim (1396). Designing a Model of Governance in Sports Federations, Ph.D.

Mohammadi Banesty Mohsen (2012) Relationship of Establishment of Technology Management with Organizational Performance in Yazd Regional Electric Company. Master's thesis at Allameh Tabataba'i University

Moon, M. J. (2015). Good governance and e-government Senior executive program on public policy and administrative reform. 2nd G20 Global Leadership Program.

Nica, E. (2015). Sustainable development and citizen-centric e-government services. Economics, Management and Financial Markets, 10(3), 69.



- Peña-López, I. (2016). UN e-Government Survey 2016. E-Government in Support of Sustainable Development. : UNPAN. Retrieved August 02.
- Rahimizadeh Meysam (1395) Designing an E-Commerce Model in the Sports Industry of- the Country, Ph.D., University of Tehran.
- Report of the Sixth Sport Development Plan (1396). Strategic reports from the Ministry of Sports and Youth.
- Samatti Morteza; Ranjbar Homayoun; Mohseni Fazilat (2011); Analysis of the Impact of Indicators on the Human Development Index. Case Study: Southeast Asian Countries, Economic Growth Research, Vol. 1, No. 4: 223-183.
- Safariyan Rohullah; Imam Jumezadeh Seyyed Javad (1396); Pattern; Social Capital and Imperative Development; Government Study, 3 (12): 145-181.
- Shokri Nader(1395), Sports rights: The study of the governing order of Iran Sport rights, Tehran Jangal: Javdane.
- Wong, G (2010). Essentials of Sports Law, fourth edition, published by ABC-CLIO, 89-92.